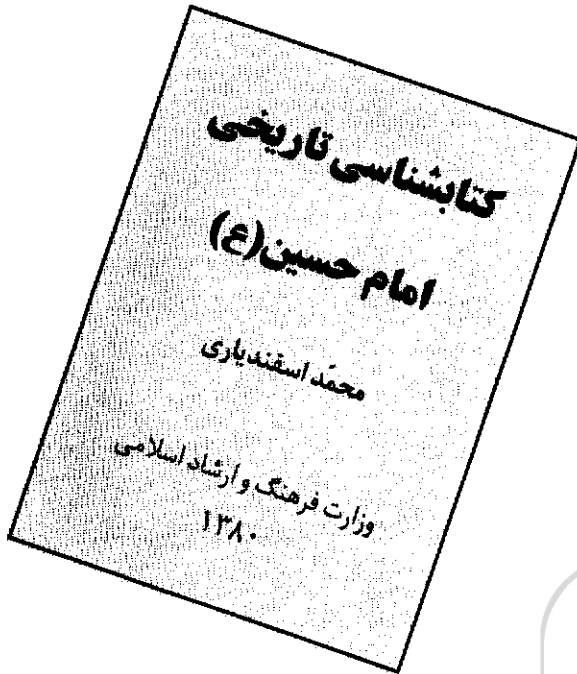


پژوهشی ژرف

و کتابنامه‌ای شگرف

درباره کتابشناسی

تاریخی امام حسین (ع)



کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، محمد اسفندیاری، چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ۵۳۰ص، وزیری.

بهاء‌الدین خرمشاهی
حجت‌الله جوادی

اشاره

۱. یکی از بزرگان علم کتابداری گفته است: «علم یعنی [وسایل و ابزارهای هرچه دقیق‌تر دستیابی به [اطلاعات. «
۲. کتابشناسی / کتابنامه [و گاه فهرست] ترجمه / معادل کلمه یونانی bibliographia است که در قرن دوم هجری به معنای کتاب‌نگاری / نویسی = نگارش کتاب به کار رفته است. این کلمه که معادل انگلیسی آن bibliography است تا قرن هفدهم میلادی در سراسر اروپا به همین معنی به کار می‌رفت. از اوایل قرن هجدهم به معنای توصیف و بیان تاریخچه منظم کتاب‌ها به کار می‌رود. در حال حاضر در دو معنای دور از هم ولی اساساً به هم پیوسته کاربرد دارد.

۱. فهرستی از کتاب‌ها که طبق نظم / نظامی ترتیب و تدوین یافته باشد. در این معنی به آن کتابشناسی شمارشی (enumerative) یا نظام مند (Systematic) یا توصیفی (descriptive) گویند.

۲. بررسی کتاب‌ها از نظر مادی و فیزیکی / هیأت ظاهری. یعنی کندوکاو در موادی که [اوراق یا بخش‌های] از آن ساخته شده یا شیوه‌ای که پیوند و تدوین یافته. در این معنی به آن کتابشناسی انتقادی (Critical) گویند. [مراد انتقادی به معنای نقادانه و ارزیابانه نیست، بلکه متن‌شناسانه و شکل‌پژوهانه است که مددکار تصحیح متون و تعیین صحت چاپ و اصالت تاریخ و این‌گونه مسائل می‌آید].... یکی از کهن‌ترین انواع کتابشناسی‌های توصیفی، فهرستی است که جالینوس حکیم نامدار یونانی در قرن دوم میلادی از آثار [متعدد] خود به دست می‌دهد.^۱ قابل

1. Britannica, Macropaedia (1995) "The Study of History" p.579, vol.20, 579.

همچنین مراجعه شود به شرح بسیار روشنگری که در دانشنامه فارسی (به سرپرستی غلامحسین مصاحب) ذیل «کتابشناسی» و «فهرست»؛ <

مزایا و محاسن قابل تقدیر این اثر است، چون منطق نهفته در آن این است که قاعدتاً یا احتمالاً هر نویسنده‌ای از اثر/ آثار پیش از اثر خود با خبر بوده است. و این از معیارهای ارزیابی آن است، اگرچه الزاماً حاکی از تکاملی بودن سیر نگارش آثار نیست. چه بسا یک اثر قرن چهارمی یا هفتمی متین تر و مستندتر از یک اثر قرن چهاردهمی باشد، حال آن که مؤلف قرن چهاردهمی اثر/ آثار قرن چهارمی و هفتمی و بیش از آن و پیش از آن را هم در دست-یا به هر حال در امکان دسترس- داشته است. ولی به نظر

همچنین مقاله پربار فرهنگنامه ادبی فارسی (جلد دوم دانشنامه ادب فارسی، به سرپرستی جناب حسن انوشه) ذیل «کتابشناسی» به قلم قاسم نژاد مراجعه فرمایید.

همچنین ر. ک: به کتابنامه عظیم الذریعه للی تصانیف الشیمة اثر شیخ آقا بزرگ طهرانی/ تهرانی؛ اما سه نکته درباره این اثر گرانسنگ گفستی است. یکم. خود یکی از بزرگ‌ترین کتابشناسی‌های جهان اسلام در عصر جدید است، که البته محدود و منحصر به درج آثار شیعی است (حاوی بیش از ۵۳ هزار اثر به عربی و فارسی و ندرتاً به زبان‌های دیگر یا ترجمه از زبان‌های دیگر که به خاطر ربط شیعی آن، در این اثر آمده است) دوم. در ذیل کلمه «فهرست» در این اثر نزدیک به ۱۵۰ فهرست مهم (همه یا عمدتاً شیعی) معرفی شده است (جلد شانزدهم، ذیل کلمه فهرست). سوم. کتابشناسی ارجمند مورد بحث در این مقاله (اثر جناب اسفندیاری) در بخش پایانی اش، ذیلی از کتاب‌های مربوط به حضرت سیدالشهدا (ع) از میان ۲۵ (و با ذیلی ۲۶) جلد این اثر استخراج کرده که خود، کاری شایان توجه و تقدیر است؛ تا چه رسد به متن کتابشناسی که معرفی و بیان شمه‌ای از مزایای آن در متن مقاله حاضر آمده است. درباره الذریعه و آقابزرگ تهرانی به دو مقاله تحت این عناوین در دایرةالمعارف تشیع و منابع مندرج در ذیل آنها از جمله کتاب ارزشمند شیخ آقابزرگ تهرانی، اثر استاد محمدرضا حکیمی و غیره مراجعه فرمایید. یکی از بهترین معرفی‌ها از الذریعه و صاحب‌عالی‌مقام آن به قلم مؤلف دانشور کتابشناسی حاضر، در خود کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، صفحات ۲۸۵-۳۰۲ آمده است. همچنین ر. ک: به دانشنامه ایران (ایرانیکا) مقاله پربار «کتابشناسی‌ها و فهرست‌ها در ایران» و «Bibliographies and Catalogues in Iran» (جلد ۴، ص ۲۱۹-۲۳۵) نوشته دو تن از بزرگ‌ترین کتابشناسان/ کتابنامه نگاران و فهرست‌نویسان امروز ایران استادان احمد منزوی و علی‌نقی منزوی. گفستی است که بخش پیشین این مقاله به «کتابشناسی و فهرست‌ها»ی مربوط به ایران [در غرب] اختصاص دارد و عمدتاً تدوین ایران شناسان/ اسلام شناسان خارجی است، در همان جلد از ص ۲۱۴ تا ۲۱۹، نوشته J. T. P. De Bruijn، آمده است.

همچنین ر. ک: به دایرةالمعارف اسلام به انگلیسی، طبع هلند، بریل، ویراست دوم، جلد ۱، ص ۱۱۹۷ تا ۱۱۹۹. ذیل مقاله «Bibliography» (کتابشناسی)، نوشته اسلام‌شناسان ایران‌شناس و کتابشناس بلندآوازه جهانی J. D. Pearson.

۲. ر. ک: دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. [تألیف] پوری سلطانی [و] فروردین راستین (تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹)، ذیل مقالاتی که با کلمه «کتابشناسی...» آغاز می‌شود.

توجه است که این کهن‌ترین کتابشناسی [خودنوشت] توصیفی که در جهان غرب نخستین اثر به شمار می‌آید، ترجمه اش به دست حنین بن اسحاق، یکی از بزرگ‌ترین و دقیق‌ترین مترجمان آثار علمی یونانی به عربی و سریانی، در قرن سوم هجری، بوده که مطلقاً مهم‌ترین کتابشناسی/ فهرست توصیفی جهان اسلام است، و اشاره‌ای تکمیلی به آن خواهد شد.

از آنجا که کتابشناسی مورد بحث در این مقاله، کتابشناسی امام حسین (ع)، اثر آقای محمد اسفندیاری، تلفیقی از چهار شکل «کتابشناسی توصیفی»، «کتابشناسی انتقادی» و «کتابشناسی گزینشی» و «کتابشناسی موضوعی» است، تعاریف این چهارگونه را به ترتیبی که از آنها نام بردیم می‌آوریم:

الف. کتابشناسی توصیفی: «کتابشناسی گزارمانی (annotated bib) است که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب، و صف نسخه از لحاظ نوع کاغذ، جلد، چاپ، تصاویر و دیگر جنبه‌های مادی آن ذکر می‌شود، و در مورد کتب معمولی چاپی، موضوع و محتوای کتاب را نیز به طور خلاصه و صف و معرفی می‌کند.»

ب. کتابشناسی انتقادی: «کتابشناسی گزارمانی که در آن علاوه بر مشخصات اصلی کتاب، محتوای کتاب نیز به طور خلاصه شرح و ارزیابی و نقد می‌شود.» این شرح با شرحی که در مدخل شماره ۲، یعنی گفتار منقول از بریتانیکا آوردیم، فرق دارد.

پ. کتابشناسی گزینشی: کتابشناسی‌ای است که فقط متخبی از آثار مورد نظر را به دست می‌دهد. چنین گزینشی یا برای تأمین نیازهای رده خاصی از استفاده‌کنندگان تهیه می‌شود، یا مواد کم‌اهمیت‌تر، جزوات و غیره را حذف می‌کند.»

ت. کتابشناسی موضوعی: «در این نوع کتابشناسی‌ها کتاب‌ها و دیگر موادی که درباره یک موضوع خاص، اعم از آن که موضوع یک شخص، محل و یا یک مفهوم باشد، ضبط و فهرست می‌شود. به عبارت دیگر کتابشناسی [ای] که آثار یک موضوع خاص را دربر می‌گیرد.» گفستی است که به کتابشناسی موضوع، طبق تصریح همین دانشنامه، کتابشناسی اختصاصی/ تخصصی/ خاص هم گفته می‌شود. ولی صفت «تاریخی» که در کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع) آمده است، حاکی این نوع از کتابشناسی نیست. چنان‌که در همین دانشنامه، در مقابل «کتابشناسی تاریخی» (Historical bib) چنین آمده: «درباره تاریخچه و شیوه تولید کتاب، مثل چاپ، صحافی، کاغذ، تصویرگری و نشر صحبت می‌کند.» و کتابشناسی سنواتی را هم مترادف آن شمرده است. ۲ اما مراد مؤلف گرانمایه این کتابشناسی، نظم تاریخی و ترتیب سنوی تدوین و تألیف کتاب‌های برگزیده صدگانه و هزارگانه است که در آن رعایت شده است، و یکی از

نگارندگان این سطور، نظمی بهتر برای گردآوری و ترتیب این متون (و سپس معرفی و ارزیابی و نقد و نظر و معرفی اشباه و نظایر و غیره در ذیل آنها) متصور نیست.

*

اینک لازم است به اختصار، چه با تصفح و تفحص خود و چه با تکیه به مقدمهٔ پر اطلاع مؤلف، به معرفی این کتابشناسی بی‌همتا پردازیم.

۱. این اثر نخستین کتابشناسی مربوط به حضرت سیدالشهداء (ع) است که هم‌گزینشی است و هم به ترتیب تاریخی.

۲. در این کتابشناسی صد کتاب که طبق موازین و معیارهای علمی و عینی مؤلف (با ذکر مشخصات کتابشناختی در آغاز آنها، و قبل از بحث و بررسی و معرفی و نقد ماهوی) برترین آثار در طی دوره‌ای بیش از یک هزاره است (یا دقیق‌تر حتی بیش از دوازده قرن، زیرا نخستین اثر متعلق به یکی از اصحاب امام محمدباقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) = تا نیمهٔ قرن دوم هجری) معرفی شده، و نهصد کتاب دیگر از مهم‌ترین کتابشناسی شیعه یعنی الذریعه الی تصانیف الشيعة، اثر عظیم شیخ آقابزرگ تهرانی با ذکر شمارهٔ جلد و صفحه و شمارهٔ کتاب آمده است. عدد دقیق این کتاب‌ها ۹۸۵ است، اما مؤلف (در ص ۲۹۷) اشاره کرده است که این تعداد از کتاب‌های برگرفته از الذریعه، با حذف عنوان‌های مکرر و ارجاعی، در حدود نهصد، و لذا کل کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)، [دست‌کم] هزار اثر ارزنده را معرفی کرده است.

همهٔ توضیحاتی که در الذریعه در معرفی و توضیح شکل و محتوا و نسخه و حتی محل نگاهداری نسخه آمده، در این کتابشناسی آورده شده است، بدون هیچ حذفی، ولی اگر افزوده‌ای لازم بوده، مؤلف آنها را داخل قلاب آورده است.

مؤلف در مقام جرح و تعدیل خطاهای احتمالی (و گاه حتی تقریباً قطعی) الذریعه بر نیامده است. (ر. ک: ص ۳۰۱-۳۰۲)

۳. این کتابشناسی چنانکه اشاره شد دارای یکصد کتاب منتخب و مهم است که به تفصیل معرفی و ارزیابی یا اهمیت سنجی شده (شرحش خواهد آمد) و نهصد کتاب مهم و غیرمهم که به قلم شادروان آقابزرگ تهرانی است. مؤلف این ذوق و ظرافت علمی را هم در کار کرده است که از میان صد کتاب مهم - که بخش اول کتابشناسی را تشکیل می‌دهد - کتاب‌های مهم‌تر را با علامت \sqrt ممتاز کرده است.

۴. حجم معرفی کتاب‌ها لزوماً و در همهٔ موارد حاکی از صرف اهمیت یا اهمیت صرف آن نبوده، بلکه ممکن است فی‌المثل ناشی از بحث‌انگیز بودن آن اثر بوده باشد. مؤلف تصریح دارد

که میانگین حجم / طول معرفی‌ها ۲ صفحه است.

۵. مهم بودن که معیار انتخاب کتاب‌ها است، شامل اهمیت مثبت و منفی و کتاب‌های استوار و ناستوار (که به وجهی یا از وجهی مهم شناخته شده) می‌باشد.

۶. همهٔ خوانندگان، مانند ما نگارندگان این مقاله، می‌خواهند بدانند که معیارهای مهم بودن، یعنی اساس انتخاب این یکصد کتاب - از میان چند هزار کتاب / رساله چاپی و خطی - چیست که طبق تصریح ایشان از این قرار است:

یکم. قدمت، یعنی زمان تألیف آن تا هنگام تألیف کتاب بحارالانوار علامه محمدباقر مجلسی. در این جا مؤلف نکته‌دان، قیدی را به آن افزوده است که مبهم است: «مشروط به این که «با مسامحه» برخوردار از یکی دیگر از معیارها باشد» (ص ۲۴، مقدمه). آیا مقصود از این شرط که برای ما مبهم و واقعاً نامفهوم است، این است که قدمت به تنهایی معیار نیست. این که بدیهی است. آیا مراد ایشان این است که هرچه از قدمت کاسته شود و به عصر تألیف بحار نزدیک شود، به شرطی مدخلیت دارد که حائز یکی دیگر از معیارها باشد.

دوم. تأثیرگذاری آن، مشروط به این که تأثیر آن فقط بر عوام نباشد. پیشنهاد می‌کنیم کلمهٔ «عوام» را به عامه / عامهٔ مردم، تغییر دهند. اگرچه عوام در شعر و سخن سعدی و حافظ هم به کار رفته است و از نظر ریشه و اشتقاق و حتی معنی هم یکی هستند، اما عوام امروزه فحوای تخفیف‌آمیز یافته است. حال آن که «عامه» با همان معنی، بار و لحن منفی ندارد

سوم. مرجع بودن. مشروط به این که ضعیف یا ناقص نباشد. چهارم. ندرت موضوع. مشروط به این که محتوای آن درست و متقن باشد.

پنجم. مخدوش بودن آن. مشروط به این که صبغه و زبان علمی داشته باشد.

البته «مخدوش بودن» کلمه‌ای مبهم و دیریاب و دارای چند معنی است که معنای مراد مؤلف بالصراحه از آن بر نمی‌آید. به نظر ما چون مؤلف در ص ۲۴ که بحث از «مهم بودن» را پیش می‌کشد و سپس همه یا اهم معیارش را یاد می‌کند، تصریح دارد که مطلق مهم بودن، اعم از مثبت یا منفی ملحوظ است، لذا به احتمال بسیار مراد ایشان این است که کتاب‌های خدشه‌پذیر و خدشه‌ناک، فی‌المثل رديه‌ها یا کتاب‌هایی که با راهبرد و رهیافت کلی و اصولی حضرت سیدالشهداء (ع) مخالفت دارند، به شرط آن که «صبغه و زبان علمی داشته باشد»، نظر به این که با معیار چهارم (ندرت) هم تقویت می‌شود و همسویی (ولو نفیاً) دارد، لذا به آن توجه می‌شود. و چنین نیست که فی‌المثل به منقبت نامه‌ها

یا کتاب‌هایی که حماسه‌سرایی و لحن موافق دارند [اما اتقان و اعتبار علمی ندارند] بیش‌تر ارزش / اهمیت داده شود.

ششم. اعتبار آن. مشروط به این‌که حاصل اجتهاد و تحقیق نویسنده باشد.

به نظر ما این فقره یعنی اعتبار و اجتهادی بودن، قابل بحث و چون و چرا است. اجتهادی بودن می‌تواند با معیار سوم یعنی مرجع بودن و معیار هفتم یعنی ابتکاری بودن جمع شود. ولی اصل این معیار یعنی اعتبار اثر، به این می‌ماند که بگوییم اثری مهم است که معتبر باشد. ما می‌خواهیم بدانیم کدام اثرها و با کدام معیارها معتبرند، تا مهم بشماریمشان. وگرنه عکسش هم صادق است. یعنی هر اثر معتبری، مهم است. نه در این زمینه، در همه زمینه‌ها اعتبار با اهمیت همسویی و همسانی و حتی یکسانی دارد. به قول معروف همه دعاها برای آمین است، و باید افزود همه آمین‌ها در آرزوی اجابت است. باری همه تلاش و دقت ورزیدن و معیاربایی و معیارگذاری و رنج توانفرسا، ولی شیرین و معرفت‌افزای خواندن چند صد کتاب که مؤلف کوشای این کتابشناسی بر خود هموار کرده‌اند و به زیارت شه عبدالعظیم و دیدن یار ناپیل شده‌اند، در این جهت و برای این هدف بوده است که غث را از سمین و سره را از ناسره باز شناسند و بشناسانند و به ما بگویند که کدام کتاب‌ها معتبر، یعنی مهم است. اگر منطقاً ممکن باشد که کتابی، یا فی‌المثل اثری هنری، معتبر باشد، اما مهم نباشد، در آن صورت حق با ایشان خواهد بود. با معذرت از حاشیه روی طولانی، این نکته را هم باید افزود که معیار سوم یعنی «مرجع بودن» هم تا حدود زیادی با این اصل، به اصطلاح امروزه همپوشی دارد.

هفتم. ابتکاری بودن آن. مشروط به این‌که مطالب جدید آن، ضعیف (نه مخدوش) نباشد.

هشتم. تحلیلی بودن آن. مشروط بر این‌که تحلیل‌های کتاب، ضعیف (نه مخدوش) و تکراری نباشد.

یک ایراد که به نظر می‌رسد این است که آیا اگر فی‌المثل یک شاهد منصف عینی که نه شیعی، نه ضد شیعی، نه سنی، نه ضد سنی بودنش در اثرش منعکس نباشد، واقعه کربلا را مثل یک گزارشگر یا واقعه‌نگار دقیق (حال نمی‌گوییم تاریخ‌نگار که بعید می‌نماید) مشروحاً در رساله‌ای به سبک و سیاق توصیفی صرف نوشته بود، آیا توصیفی (حتی المقدور عینی) بودنش مهم‌تر بود، یا تحلیلی (لاجرم آمیخته به ذهنیات مؤلف)؟ حال بگذریم و خلاف سخن پیشین خود بگوییم که حذف ذهن و دخالت ذهن از توصیف گرفته تا تحلیل، از حوزه فلسفه گرفته تا داستان‌نویسی و همه‌جانامکن است. فقط کامپیوترها، آن هم به شرط

مراقبت‌های ویژه می‌توانند بدون ذهن و ذهنیات و تداعی معانی و ارزش‌یابی و نظایر آن باشند. در هر حال در تاریخ‌نگاری به گزارش‌هایی که هرچه توصیفی‌تر، و کم‌تر تحلیلی‌اند اهمیت می‌دهند. یا فی‌المثل راوی اول چرا بر روات بعدی ترجیح دارد؟ به هر حال مراد ما، نفی حکمت و ارج و اعتبار «تحلیل» نیست؛ اما باید دید «توصیف» آن هم در حوزه تاریخ (و زندگینامه‌نگاری و واقعه‌نگاری هم ابواب جمعی تاریخ‌اند) چه پایه و مایه و چه جایگاه و پایگاهی دارد. ضمناً مؤلف در یک صفحه پیش از آن‌که شرط هشتم (آخر) را در باب تحلیلی بودن بیاورند (ص ۲۵)، و توصیف و توصیفی بودن را از اعداد معیارها خارج کنند، (البته قبول داریم که معیارها نمی‌توانند بی‌حد و حساب باشد و هشت معیار انصافاً کافی و رساست) نوشته‌اند: «این کتابشناسی بیش‌تر «توصیفی» (Descriptive) است، نه «تحلیلی» (Analytical) و نه «انتقادی». به دیگر سخن، در معرفی هر کتاب بیش‌تر به توصیف مطاوی آن پرداخته و غالباً از تحلیل و انتقاد و ارزش‌داوری پرهیز شده است.» (ص ۲۴ مقدمه). در این باب نظری داریم که ان‌شاءالله در بخش بعدی مقاله، که به دنبال همین مطالب می‌آید عرضه خواهیم داشت.

مؤلف پس از بیان هشت معیار که نقل شد، چنین نگاشته‌اند: «هر کتابی که بدون مسامحه از یکی از این معیارها برخوردار باشد، مهم است و در این کتابشناسی معرفی شده است. به نظر قاصر ما اگر مرقوم می‌داشتند «لااقل» از یکی از این معیارها برخوردار باشد، بهتر و دقیق‌تر بود. هرچند این «لااقل» از فحوای کلام برمی‌آید. و آن کتاب‌هایی که فرموده‌اند با علامت ✓ (معروف به تیک یا در اصل انگلیسی Checkmark) ممتاز شده، مهم‌تر / برتر از آنهایی است که این علامت را ندارند، به این معنی و ناشی و حاکی از این واقعیت است که چند معیار را برآورده ساخته‌اند.

مرقوم داشته‌اند که بنا بر این کتابشناسی حاضر سه قید دارد: توصیفی، تاریخی، گزینشی. به لحاظ هدف، توصیفی است [به نظر ما اگر می‌فرمودند به لحاظ روش، توصیفی است، شاید بهتر بود. چون هدف چنین کتابشناسی عظیم‌الشانیه که نمی‌تواند توصیفی باشد] و به لحاظ تنظیم، تاریخی (سنواتی)، و به لحاظ شمول، گزینشی است، که صد در صد درست و دقیق است و ما هم در آغاز مقال، نظر به شکل و محتوا و ماهیت و هدف این کتابشناسی، به تشخیص خود و با تکیه به منبعی مهم و معتبر (دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی) گفتیم که این کتابشناسی آمیزه‌ای از چهار نوع کتابشناسی توصیفی، انتقادی، گزینشی و موضوعی است.

شمه‌ای از امتیازات و مزایای این اثر

۱. مؤلف احاطه و صلاحیت علمی تام و تمام و کم نظیری در کار خود دارد. اگر کار/اثر را برای تسهیل بحث، به دو بخش صورت و محتوا تقسیم کنیم، از نظر صورت و ساختار، یعنی شناخت کتابشناسی به علمی ترین وجه، صاحب نظر و صاحب اثرند. پیش از کتابشناسی مقدس و متبرک امام حسین (ع) ایشان بیش از ده کتابشناسی و یک رساله بلند درباره «آیین تدوین کتابشناسی» فراهم و منتشر کرده است. (ص ۲۷ و ۲۸ مقدمه). همچنین می توان به کتابشناسی توصیفی دکتر علی شریعتی از ایشان اشاره کرد که بیشتر منتشر شده است.

گفتنی است که سابقه کتابشناسی در غرب به قرن دوم میلادی می رسد که جالینوس رساله ای در معرفی آثار عدیده خود (بیش از یکصد اثر شامل کتاب و رساله های بلند و کوتاه) نوشت؛ ولی این کتابشناسی با کتابشناسی مورد بحث ما از نظر شکل و نحوه تدوین و هدف و مسائل و عناصر دیگر فرق دارد.

اما قضا را کهن ترین فهرست کتابشناسی جهان اسلام، شباهت بسیاری (اگرچه نه از هر لحاظ) با اثر استاد اسفندیاری دارد. تا گفتم «کهن ترین فهرست/کتابشناسی»، شاید خوانندگان به یاد الفهرست، کتابشناسی دانشنامه وار اثر ابن ندیم (در گذشته ۳۸۰ق، که اثر عظیمش را با توجه به شغل و راقی کتابفروشی/کتابشناسی، عمدتاً با مطالعه و ملاحظه مستقیم آثار، در طی چند/چندین سال منتهی به سال ۳۷۷ق فراهم آورده) بیفتند. در جهان اسلام پس از الفهرست، کتابشناسی ها/فهرست های متعددی فراهم آمده که لزومی ندارد وارد بحث تفصیلی از آنها شویم، مگر اشاره ای به کشف الظنون اثر حاجی خلیفه/کاتب چلبی (۱۰۱۷-۱۰۶۷ق) که او هم نظر به شغل و اشتغال طولانی به کتابداری، اغلب کتاب ها را به عربی، ترکی و فارسی، بلافصل/مستقیم، از روی خود کتاب و خواندن یا گزیده خوانی یا شیوه های مشابه فراهم آورده است؛ و از این نظر کارشان با کار کارستان شادروان شیخ آقا بزرگ، لااقل در مورد یک پنجم از ۵۳ هزار اثری که در مدت شصت سال در الدرریمه معرفی و گاه ارزیابی و غالباً توصیف کرده است، و نیز کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع) شباهت نسبی دارد.

اما کهن ترین فهرست جهان اسلام، بی شبهه فهرستی است که حنین بن اسحاق (در گذشته به سال ۲۶۰ یا ۲۶۲ق)، از برجسته ترین مترجمان کتاب های علمی به ویژه طبی از یونانی (که در اصطلاح قدما گاه «رومی» گفته می شود) به عربی و سریانی، از بیش از صد و بیست اثر جالینوس و ترجمه خود یا

دیگران از آنها به عربی یا سریانی و محتویات آنها سخن گفته است. و از این نظر که فهرست/کتابشناسی تک موضوعی توصیفی است، کهن ترین سلف کتابشناسی استاد محمد اسفندیاری است. استاد دکتر مهدی محقق متن عربی این اثر را با ترجمه فارسی اخیراً منتشر کرده اند، و کارنامه علمی خود را پر بارتر ساخته اند.^۳

استاد محقق در کتاب دیگری از آثار ارجمند خود که درباره محمد بن زکریای رازی است، چنین آورده اند: «نخستین صورت از تألیفات رازی فهرستی است که خود او بر کتاب هایش نوشته که «ابن الندیم» آن را در «الفهرست» نقل کرده و «ابن القفطی» هم در «اخبار الحکما» صورت خود را از روی آن نقل نموده است. پس از او ابوریحان بیرونی متوفی ۴۴۵ هجری کتابی درباره آثار و تألیفات رازی نوشت.^۴

خوشا به حال و کار و کوشایی و کاردانی و کارنامه علمی استاد محمد اسفندیاری که خلف صدق اسلافی چنین بزرگ و بزرگوار است، و سالی نمی گذرد که از بوستان کارستان او بری نرسد.

۲. انتخاب بهترین شکل ممکن و مفید و آسان یاب برای این کتابشناسی، که درباره آن به تفصیل، حتی گاه به انتقاد سخن گفتیم.

۳. وضع موازین و معیارهای سنجیده برای راه بردن هر چه علمی تر به کتاب های برتر.

۴. تلاش فوق الطاقه و خارق العاده ایشان در خواندن صدها کتاب، و اعمال معیارهای هشت گانه (که بی شبهه چندین معیار نامدون هم در دل یا در سر داشته اند) و جانب روش علمی و

۳. دریغ است که مشخصات کتابشناختی و معرفی بسیار کوتاهی از این اثر به دست ندهیم:

رسالة حنین بن اسحق الی علی بن یحیی، فی ذکر ما ترجم من کتب جالینوس، کهن ترین فهرست در جهان اسلام. متن عربی با ترجمه فارسی، به اهتمام دکتر مهدی محقق (تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۷۹، [منتشره به سال ۱۳۸۰] سی و یک + ۱۲۶ + ۱۴ ص. استاد دکتر محقق در مقدمه پربار خود رساله را به نحوی روشن و رسا معرفی می کند و ظرایف و ظرافتی از آن یا درباره آن می آورند.

۴. دنباله سخن از متن: ... این کتاب را خاورشناس فرزانه پول کراوس (P. Kraus) در سال ۱۹۳۶ در پاریس با این عنوان «رسالة ابی ریحان فی فهرست کتب محمد بن زکریاء الرازی» به طبع رسانید. هر چند از نام این کتاب برمی آید که فقط فهرست کتب رازی باشد، ولی بیرونی با یک تیر دو نشان زده و استطراداً کتاب های خود را هم تا سال ۴۲۷ که از عمرش ۶۵ سال قمری و ۶۳ سال شمسی می گذشته نقل کرده است... (فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی، تألیف دکتر مهدی محقق، تهران، ۱۳۵۲) ص ۵۳-۵۴.

نثر کتاب مانند همه آثار ایشان روشن و روشنگر و بدون «گیر و گره و گسری» است. نثری خونسردانه، علمی، عینی، و بدون سبک شخصی و هیچ گونه زیوربندی که به اصطلاح «دیده نمی شود» و به سرعتی که خواننده می شود، درک می شود، و در سراپای کتاب به دو سه کلمه یا عبارت مبهم برخوردیم که گویا به دو نمونه آن اشاره کردیم.

۶. فقط اهل فن می دانند که پس از توصیف حتی المقدور بیطرفانه و جامع یک اثر، به همه یا اکثر نقدهای موافق و مخالف و رديه‌ها و پاسخ به آنها اشاره کردن، به یک گروه بیست نفری از کتابشناسان نیاز هست که دست کم دو سال در منابع کتدو کاو کنند. اما مؤلف کاردان و سخت کوش همه این کارها را، که ما حتی نیمی از آنها را هم گزارش یا ارزیابی نکرده ایم، یک تنه انجام داده است.

۷. یکی از مزایای مهم کتاب، اشاره به کتابشناسی کتابشناسی‌های مربوط به امام حسین (ع) است. در این بخش که بلافاصله بعد از مقدمه آمده است، چهل و سه کتابشناسی درباره امام حسین (ع) معرفی توصیفی شده است. اغلب کتابشناسی‌ها یک بخش از یک کتاب یک یا چند جلدی، و کم‌ترین آنها به صورت کتاب مفرد و مستقل است. و طبق ارزیابی بیطرفانه مؤلف، اغلب کتابشناسی‌ها نابسامان و ناروشمند و ناقص است. کامل‌ترین کتابشناسی امام حسین (ع) از آن استاد عبدالجبار رفاعی است که در ضمن کتاب «معجم مکتب عن الرسول و اهل البيت صلوات الله علیهم» چاپ شده و در آن ۳۲۱۵ کتاب و مقاله و رساله معرفی گردیده است. گفتنی است که این اثر نظر به اهمیتش در متن کتاب، ذیل شماره ۸۲، در ۲ صفحه معرفی شده است.

۸. کتابشناسی‌ها اغلب جزو آثار مرجعی هستند که عمدتاً بلکه تماماً ارزش ابزاری و راهنمایی به منابع و متون مورد نظر در حیظه و حوزه خود را دارند و به جای خواننده، مراجعه‌کننده دارند. اما این کتابشناسی بنا به ساختار و محتوا و ماهیتش، هم راهنما و راهگشاست و هم خواندنی و خوشخوان و برعکس کتابشناسی‌های مملو از مشخصات کتابشناختی، و بدون شرح و بسط و معرفی تعیین جایگاه و پایگاه هر اثر، همه این وظایف را به احسن وجه انجام می‌دهد.

۹. نظر به حجم اطلاعات (معرفی بیش از هزار کتاب) و شیوه عرضه آن که پیش‌تر اشاره شد، خواننده چنین اثری از صدها نظر و نظریه و نظرگاه درباره همه زندگانی و سیره و قیام و علل قیام حضرت (ع) و جزئیات واقعه عاشورا و استطراداً از نقاط و نکات تاریک مانده‌ای از تاریخ صدر اول اسلام که در این

عینی را همواره رعایت کردن.

ما ابتدا گمان می‌کردیم این که مؤلف فرزانه در مقدمه آورده‌اند که «در معرفی هر کتاب بیش‌تر به توصیف مطاوی آن پرداخته شده و غالباً از تحلیل و انتقاد و ارزشداوری پرهیز شده است» در واقع آرزوآندیشی است، زیرا ایشان با تمهید و طرح هشت معیار بدون (و چه بسا تعدادی نامدون و حتی نهفته در ضمیر ناخودآگاه) وقتی در دل دریایی از کتاب‌های فارسی و عربی قدیم و جدید شناوری و بلکه غواصی می‌کرده‌اند که کتاب‌های نامعتبر و غیر مهم را از کتاب‌های معتبر و مهم جدا کنند، چگونه ممکن بوده که از تحلیل و ارزشداوری پرهیز کنند، ولی با خواندن دهها «معرفی» کتاب یا «مدخل» / «مقاله» از این کتابشناسی شگرف، مخصوصاً خواندن معرفی کتاب‌های بحث‌انگیز نظیر «روضه الشهداء» (واعظ کاشفی)، «حسین وارث آدم» (شادروان دکتر علی شریعتی) «حماسه حسینی» (مرحوم آیه‌الله مطهری) و از همه دشوارتر و جنجال‌انگیزتر، چه در جامعه و جهان سیاست، و چه محافل علمی کتاب «شهید جاوید»، یا معرفی کتاب‌ها یا بخشی از کتاب‌های ارزشمند تاریخی نظیر کتاب‌های «تسمیه من قتل مع الحسین» (فضیل بن زبیر) (شماره ۱)، «کامل الزیارات» ابن قولویه قمی (شماره ۳)، «نورالعین فی مشهد الحسین» (ابواسحاق اسفرینی) (شماره ۴)، «مقتل الحسین علیه السلام» (ابوالمؤید موفق بن احمد مکی) (شماره ۶)، تا «مقتل الحسین علیه السلام» (ابومخنف) (شماره ۷)، «وقعة الطف» ابی مخنف لوط بن یحیی (شماره ۷۵)، «ترجمه الامام الحسین - علیه السلام - ومقتله من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الکبیر» لابن سعد (ابن سعد، تصحیح سید عبدالعزیز طباطبائی) (شماره ۸۶)، «عبرات المصطفین فی مقتل الحسین علیه السلام» (محمدباقر محمودی) (شماره ۸۷)، «ترجمه ریحانة رسول الله (ص) الامام الحسین علیه السلام من تاریخ مدینة دمشق» (ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی) (ابن عساکر، تصحیح محمدباقر محمودی) (شماره ۶۳)، و سرانجام آخرین کتاب (شماره ۱۰۰) یعنی «مسند الامام الشهید ابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام» (عزیزالله عطاردی، گردآورنده)، دیدیم بدون تعارف و خوشامدگویی، کم‌ترین اثری از انتقاد یا طرفداری له و علیه دیده می‌شود، ولی از بعضی احکام ارزشگذارانه خالی نیست، و در حد و به نحوی است که معرفی کتاب و جایگاه را روشن‌تر می‌سازد.

۵. معرفی‌ها همه بلافصل و مستقیم و با مطالعه یا تورق عمیق هر کتاب است.

اثر روشن شده و ده‌ها فایده این چنینی بهره‌مند می‌گردد. واقعاً اگر چنین تلقی کنیم که استاد محمد اسفندیاری با تیشه عشق، بیستونی تازه کنده‌اند و با توشه علم کتابخانه‌ای را در کتابی گنجانده‌اند، اهل انصاف پس از ملاحظه و مطالعه کتاب خواهند گفت که مبالغه نکرده‌ایم.

- نخستین کتابی که در این کتابشناسی معرفی شده است رساله مختصر «تسمیه من قتل مع الحسین بن علی علیهما السلام» من ولده و اخوته و اهله و شیعتهم، نوشته فضیل بن زبیر بن عمر بن درهم اسدی کوفی است.

در صفحه ۳۱ این کتابشناسی از رساله فوق به عنوان کهن‌ترین کتابی که درباره امام حسین (ع) نوشته شده و موجود است، نام برده شده است. در همه جا آمده که فضیل بن زبیر در حدود نیمه دوم قرن دوم در گذشته است و سال مرگ او تصریح نشده است.

- نخستین مقتل مکتوب کربلا را ابومخنف لوط بن یحیی از دی متوفی به سال ۱۵۷ هجری نوشته است. سیاق مطالب آمده در رساله فضیل بن زبیر نیز با مقاتلی که پس از ابومخنف نوشته شده، همخوانی دارد. نخستین کتابی هم که رساله فضیل بن زبیر را در خود جای داده است، از آن یحیی بن حسین متوفی به سال ۴۷۹ ق می‌باشد. در حالی که مقتل الحسین ابومخنف پیشتر توسط مورخان بزرگی نظیر طبری (متوفی به سال ۳۱۰) و ابوالفرج اصفهانی (۳۱۳) ضبط و نقل گردیده است.

- کتاب مقتل الحسین ابومخنف متوفی به سال ۱۵۷ هجری که در ردیف ۷ معرفی شده، باید در ردیف اول و یا دوم معرفی می‌شد. - طبری تاریخ خود را در سال ۳۰۳ تمام کرده است. پس باید قبل از کتاب الفتوح ابن اعثم - که در ردیف ۲ معرفی شده - می‌آمد. در حالی که تاریخ طبری به طور مستقل اساساً معرفی نشده است. توضیح این که فقط بخشی از متون ابن اعثم درباره امام حسین است، همان‌گونه که بخشی از کتاب طبری در خصوص امام حسین می‌باشد. پس به همان دلیلی که فتوح ابن اعثم معرفی شده باید کتاب طبری هم معرفی می‌شد. دیگر این که کتاب طبری قدیمی‌تر و مستندتر از کتاب الفتوح می‌باشد.

- ابوالفرج اصفهانی کتاب «مقاتل الطالبین» را در سال ۳۱۲ به پایان رسانده است. اهمیت این کتاب و مقتل آن بر کسی پوشیده نیست. معلوم نیست چرا مؤلف محترم آن را نادیده گرفته، در حالی که برخی کتاب‌های ضعیف در این کتابشناسی معرفی شده است.

- یکی از مقاتل معتبر و قدیمی و قابل اعتنا، کتاب «الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» (ج ۲)، نوشته شیخ مفید متوفی به سال ۴۱۳ هجری می‌باشد که در این کتابشناسی از آن سخنی نرفته است.

- مقتل‌های موجود در دو کتاب مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی و روضة الواعظین فتال نیشابوری، متوفی به سال ۵۰۸ هجری به دلیل این که در جهت دادن به مقتل نویسی و مقتل خوانی در میان شیعیان مؤثر بوده‌اند، قابل اهمیت هستند که در این کتابشناسی به آنها اشاره نشده است.

- ابن‌نمای حلی، صاحب «مشیر الاحزان» استاد سید بن طاووس، صاحب کتاب لهوف یا ملهوف می‌باشد و از این رو، سید بن طاووس متأثر از این‌نما بوده است و بسیاری از مطالب کتاب وی، حتی فصل‌بندی آن، برگرفته از کتاب ایشان می‌باشد. در این کتابشناسی جایگاه این دو تغییر یافته است. (ردیف ۱۰ و ۱۱، صفحات ۷۹ تا ۸۷)

- «امالی صدوق» (متوفی به سال ۳۸۱) که مطالب مربوط به امام حسین آن سرمنشأ بسیاری از کتاب‌های بعدی است، و نویسنده آن هم عصر ابن قولویه صاحب کامل‌الزیارات بوده است و اتفاقاً بسیاری از مطالب این دو کتاب با هم شبیه است، در این کتابشناسی معرفی نشده است.

- «تذکره الخواص» سبط بن جوزی (متوفی به سال ۶۵۴) در این کتابشناسی مغفول مانده است.

- کتاب «فیض اللامع» نوشته محمدابراهیم نواب تهرانی ملقب به بدایع نگار، متوفی به سال ۱۲۹۹ هجری از مقاتل شیوای فارسی در دوران قاجاریه است که به دلایل متعدد جای آن در این کتابشناسی خالی است.

- کتاب «معجم ما کتب عن الرسول واهل بیت صلوات الله علیهم» که در ردیف ۸۲ این کتابشناسی معرفی شده است (همچنین در بخش کتابشناسی کتابشناسی‌های امام حسین) خارج از موضوع این کتابشناسی است.

- در ردیف ۶۱ تحت عنوان «الحسین والسنة»، شرح حال امام حسین از سه کتاب «الفضائل»، از احمد بن حنبل (۲۴۱ ق)، «انساب الاشراف»، از بلاذری (۲۷۹ ق) و «المعجم الکبیر»، از طبرانی معرفی شده است، در ردیف ۸۰، بار دیگر مقتل حسین بن علی بن ابی‌طالب، مندرج در کتاب المعجم الکبیر ابوالقاسم الطبرانی شناسانده شده است. در ردیف ۸۶، کتاب «ترجمه الامام الحسین علیه السلام ومقتله من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الکبیر لابن سعد» معرفی شده است.

اگر مؤلف محترم کتاب‌های ردیف ۸۰ و ۸۲ را در ذیل

باطن آن فهمیده شود (ص ۳۷).

سؤال این است که آیا جمع این دو نگاه موجب نگاه واقع بینانه می‌شود، پیش از این که شیعیان با این دو نگاه به مسأله عاشورا بپردازند، چه نوع نگاهی وجود داشت؟ مثلاً اگر بخواهیم مقتل الحسین ابو مخنف و ارشاد شیخ مفید را تحلیل کنیم، نگاه آن دو را چگونه ارزیابی می‌کنیم. در مقتل الحسین ابو مخنف هیچ کدام از این دو نگاه حاکم نیست، بلکه ایشان با نگرش واقع‌گرایانه‌ای به نقل و تبیین قیام امام حسین (ع) پرداخته است.

- مؤلف محترم در چند جا، در توصیف برخی کتاب‌ها این عبارت را به کار برده است: «این کتاب بیانگر نظر رایج شیعه در خصوص امام حسین است». سؤال این است که ویژگی «نظر رایج» شیعه چیست؟ این توصیف برای کتاب‌های زیر به کار رفته است:

کتاب‌های ردیف ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۳۴، ۳۹، ۴۰، ۴۸، ۵۳، ۵۷، ۷۹ و ۹۶.

با دقت در کتاب‌های فوق می‌توان گفت منظور از «نظر رایج» یعنی نظریه‌ای که فاقد نوآوری می‌باشد. در آن صورت این نکته جای تأمل خواهد داشت! زیرا کتاب *نفس المهموم* این گونه توصیف شده، ولی این عبارت برای کتاب‌هایی مثل *لهوف*، *اسرار الشهادة*، *روضه الشهداء* و ... به کار نرفته است.

در برخی جاهای کتاب اغلاط مطبعی اندکی وجود دارد که رفع آنها باعث زیبایی بیش‌تر متن خواهد شد، به برخی از این اغلاط اشاره می‌شود:

ص ۱۰۹ آقاخوند ملا آقا، به جای آخوند ملا آقا

ص ۱۳۷ «فضیلت» به جای فضیلت

ص ۲۳۴ «قضیه قضایا یا موضع حسین»؟

ص ۲۳۲ «و در پایان به قبر پیکر آن حضرت پرداخته شده است». آیا مراد بررسی و کاوش درباره مشاهده و مزارات منسوب به حضرت (ع) است؟

- کلیه صفحات کتاب با یک قلم (فونت) نوشته نشده است؛ احتمالاً برای صرفه‌جویی در کاغذ. چون حجم مطالب در خصوص معرفی برخی کتاب‌ها زیاد بوده است، مطالب فشرده‌تر حروف چینی شده است، مثل صفحات ۱۳۶ و ۱۳۷، ۲۶۴، ۲۷۲، ۲۷۴ و ... این مسأله به زیبایی کتاب لطمه می‌زند.

معرفی کتاب ردیف ۶۱ می‌آورد، در این مجموعه صدتایی، جا را برای دو کتاب مهم دیگر باز می‌نمود.

- مؤلف محترم همچنین *مقتل الحسین ابو مخنف* را یکبار در ردیف ۷، بار دیگر تحت عنوان *استشهاد الحسین* در ردیف ۷۰ و یک مرتبه نیز تحت عنوان *وقعة الطف* در ردیف ۷۵ آورده است؛ در حالی که کتاب «قیام سیدالشهداء» در ترجمه تاریخ طبری توسط ابوعلی بلعمی است و کتاب *مقتل الحسین ابو مخنف* گردآوری حسن غفاری و نیز قیام جاوید که ترجمه *مقتل الحسین ابو مخنف* مندرج در طبری است، در داخل ردیف‌های ۷ و ۷۰، ۷۵ معرفی شده‌اند. به عبارت دیگر مؤلف محترم می‌توانست این کار را برای کتاب‌های ردیف ۷۰ و ۷۵ نیز انجام دهد.

- در ردیف ۱۰، از برخی ترجمه‌های فارسی کتاب *لهوف* نام برده شده است. یادآور می‌شود که مسلک دوم این کتاب یک بار نیز توسط شیخ عباس قمی ترجمه شده است (چاپ سنگی آن موجود است).

- در ردیف ۳۱، نویسنده محترم درباره کتاب «نفس المهموم» آورده است:

«نفس المهموم کتابی است خوش‌سخوان و خوش‌تدوین درباره امام حسین (ع) و قیام او که «نظر رایج» شیعه را درباره آن حضرت بیان می‌کند. این کتاب حاصل جمع کتاب‌های گذشتگان است و اغلب مطاوی آن را نقل قول تشکیل می‌دهد و تحلیل و ارزیابی در آن کمتر ملاحظه می‌شود. مطالب کتاب مانند و گاه عین کتاب *متهی الامال* است و کتاب اخیر را می‌توان گزارش فارسی این کتاب شمرد.»

باید یادآور شد که شیخ عباس در این کتاب حداقل ۴۲ مرتبه آراء گذشتگان را نقد کرده است و از این رو کتاب او دارای نوآوری‌های بسیاری می‌باشد که بسیار قابل توجه است.

- مؤلف محترم در چند صفحه، کلیه کتاب‌هایی را که از گذشته تاکنون درباره امام حسین نوشته شده است، به طور جالبی تحلیل و بررسی کرده و آنان را به دو دسته تقسیم نموده است. براساس دیدگاه ایشان در گذشته شیعیان بیش‌تر بر جنبه عاطفی قیام امام حسین تأکید می‌کردند، اما امروزه (قرن چهاردهم و پانزدهم) بیش‌تر با نگاه سیاسی بدان نگریسته می‌شود. ایشان یادآور شده‌اند که اگر نگاه عاطفی به عاشورا، حجاب نگاه سیاسی به آن شود، همچنین اگر نگاه سیاسی به عاشورا، مانع نگاه عاطفی به عاشورا شود، ابعاد گوناگون نهضت عاشورا فهمیده نمی‌شود. پس لازم است با دو نگاه (نگاه عاطفی و نگاه سیاسی) به عاشورا نگریسته شود تا ظاهر و

